

[A Persian translation of the Statement prepared by Office of Social and Economic Development on Social Action dated 26 November 2012]

ترجمه‌ای از

اقدام اجتماعی (Social Action)

نوشتاری از دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی بهائی

(از: مرکز جهانی بهائی)

۲۶ نوامبر ۲۰۱۲

بیت العدل اعظم الهی در پیام رضوان ۲۰۱۰ خود از بهائیان عالم خواستند تا درباره کمک‌هایی که جوامع رو به رشد و پرتحرک‌شان به پیشرفت مادی و معنوی اجتماع خواهد نمود تفکر و تأمل نمایند. در این رابطه بیت العدل اعظم به فرایند جامعه‌سازی‌ای اشاره نمودند که در تعداد زیادی از محدوده‌های جغرافیایی در سراسر عالم از طریق فعالیت‌های اصلی سلسله نقشه‌های جهانی کنونی در جریان است. در این پیام ذکر شده است که "در هر محدوده جغرافیایی، در حالی که عبادت دسته‌جمعی و گفتگوها در محیط صمیمانه منازل با فعالیت‌هایی به منظور آموزش روحانی به همه مردم از بزرگسال و جوان و کودک آمیخته می‌گردد، تصویر زیبا و پرباری از حیات جامعه به ظهور و بروز می‌رسد." در ادامه آمده است که "آگاهی اجتماعی طبعاً آنگاه اعتلا می‌یابد که فی‌المثل گفتگوهای پرشور در بین والدین درباره آمال و علایق فرزندان‌شان تکرر یابد و پروژه‌های خدمت با ابتکار نوجوانان به راه افتد." بیت العدل اعظم سپس چنین بیان می‌فرمایند: "با ازدیاد وافر منابع انسانی در محدوده جغرافیایی و استحکام الگوی رشد، مشارکت و هم‌کاری جامعه بهائی با اجتماع می‌تواند و در واقع می‌باید افزایش یابد." در همان پیام، بیت العدل اعظم عرصه اقدام اجتماعی را با این عبارات توصیف می‌فرمایند:

اقدام اجتماعی به بهترین تعریف، طیفی از مجهوداتی است که می‌تواند از یک سو مساعی نسبتاً غیررسمی و کوتاه‌مدتی را که افراد یا گروه‌های کوچکی از احباً انجام می‌دهند شامل شود و از سوی دیگر، برنامه‌های پیچیده و پیشرفته توسعه اجتماعی و اقتصادی سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی را در برگیرد. هر نوع اقدام اجتماعی، صرف نظر از دامنه و مقیاس آن، کوششی برای به کارگیری تعالیم و اصول امر الهی به منظور اصلاح یک و یا بعضی از جنبه‌های حیات اجتماعی یا اقتصادی گروهی از مردم می‌باشد.

به منظور کمک به گفتگوهای جاری در تمام سطوح جامعه بهائی درباره کیفیت مشارکت بهائیان در اقدام اجتماعی، این سند را براساس تجارب چندین ساله در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی تهیه نموده‌ایم. بینش‌های ارائه شده نتیجه مجهودات توسعه‌ای نسبتاً پیچیده‌ای است با این حال ویژگی‌های طیف وسیع ابتکارات

متنوعی را روشن می‌سازد زیرا کلیه موارد اقدام اجتماعی قطع نظر از اندازه و ابعاد، متکی بر مفاهیم، اصول، روش‌ها و رویکردهای مشترکی هستند.

۱- اشتغال عالم بهائی در توسعه اجتماعی و اقتصادی

فعالیت‌های جامعه جهانی بهائی را می‌توان به صورت تعدادی فرایندهای متعامل، از جمله پرورش روحانی افراد، توسعه جوامع محلی و ملی، و بلوغ مؤسسات اداری ملاحظه نمود، فرایندهایی که در ایام حیات حضرت بهاء‌الله آغاز شد و در دوران قیادت حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی‌امرالله استحکام یافت. این فرایندها تحت هدایت بیت العدل اعظم به طور مستمر به پیشرفت خود ادامه داده‌اند، دامنه نفوذ آنها به تدریج گسترش یافته و ابعاد جدیدی به عملیات آنها اضافه شده است. توسعه اجتماعی و اقتصادی یکی از این فرایندها است. این فرایند ویژه که طی سال‌های متمادی بیش از هر چیز از طریق فعالیت‌های آموزشی متنوع پی‌گیری شده بود، با پیام مورخ ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳ بیت العدل اعظم نیروی قابل ملاحظه‌ای به خود گرفت، پیامی که در آن خواسته شده بود که در پی گسترش سریع جامعه جهانی در دهه ۱۹۷۰، "توجهی سیستماتیک" به فعالیت‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی معطوف گردد.

پیام ۱۹۸۳ تأکید نمود که پیشرفت در زمینه توسعه عمدتاً وابسته به تحرکات و انگیزه‌های طبیعی در سطح مردمی خواهد بود. هم‌چنین این پیام تأسیس دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی در مرکز جهانی بهائی را به منظور "ترویج و هماهنگ ساختن فعالیت‌های احباً" در این زمینه اعلام کرد. بهائیان در تمام قارات عالم به راه‌های گوناگون کوشیدند تا به این پیام پاسخ گویند و ده سال به تجربه و آزمون سپری شد، دورانی که ویژگی‌اش وجود هم‌زمان اشتیاق و تردید، اجرای برنامه‌های اندیش‌مندان و اقدامات تصادفی و بی‌نظم، و حصول موفقیت و شکست بود. اگرچه بیشتر پروژه‌ها به سختی توانستند خود را از قید الگوهای توسعه رایج در جهان رها سازند، با این حال بعضی از آنها پرتوی از نمونه‌های امیدبخش اقدام را ارائه دادند. پس از این اولین دهه فعالیت، جامعه جهانی به مرحله‌ای رسیده بود که یکی از خصایص کاملاً تثبیت شده زندگی ارگانیکش پی‌گیری توسعه اجتماعی و اقتصادی بود و قابلیت مضاعفی یافته بود تا به تدریج یک رویکرد به توسعه بر اساس مفاهیم بهائی را شکل دهد.

در سپتامبر ۱۹۹۳، سند "توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی: چشم‌اندازی برای آینده" در مرکز جهانی تهیه گردید و بعد از تصویب بیت العدل اعظم، به منظور جهت‌بخشی و هدایت امور در این عرصه مورد استفاده دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی قرار گرفت. این بیانیه زمینه را برای فعالیت ده سال بعدی و ورای آن آماده کرد. سند مزبور هم‌چنین با استفاده از تجارب مهم حاصله در طی ده سال پیشین، ویژگی‌هایی را که وجه مشترک همه آن تجارب بود تشریح نمود. در نتیجه، طی این مدت در سراسر جهان آگاهی نسبت به ماهیت توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت و رویکردی باثبات و به مراتب سیستماتیک‌تر شروع به شکل گرفتن نمود. بینش حاصله در آن زمان خواهان ترویج فعالیت‌های توسعه در سطوح متفاوتی از پیچیدگی بود. محوری‌ترین نکته در این بینش قابلیت‌سازی بود. مفهومی که به تدریج بر فکر و عمل توسعه اثر گذاشت این بود که

فعالیت‌ها در مقیاسی نسبتاً کوچک شروع شود و رشد و پیچیده‌تر شدنشان تنها در تناسب با منابع انسانی موجود صورت گیرد.

در سال ۲۰۰۱ بیت العدل اعظم مفهوم محدوده جغرافیایی را به منظور کمک به برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های مربوط به حیات جامعه به عالم بهائی معرفی نمودند — ساختاری جغرافیایی معمولاً شامل چند روستا و یا یک شهر با حومه اطراف آن. انجام این کار با تأسیس مؤسسات آموزشی در سطح ملی و منطقه‌ای در دهه ۱۹۹۰ امکان‌پذیر شد. این مؤسسات از یک سیستم آموزش از راه دور استفاده می‌نمودند تا دوره‌های متسلسلی را که به منظور افزایش قابلیت برای خدمت طرح‌ریزی شده بود در دسترس تعداد زیادی قرار دهند. بیت العدل اعظم عالم بهائی را تشویق فرمودند که این سیستم را به نحو روزافزونی در محدوده‌های جغرافیایی بیشتری گسترش دهند تا موجب پیشرفت مداوم محدوده‌ها گردد و ابتدا شالوده‌های روحانی مستحکمی بنا نهند تا بر روی آنها حیات پرتحرک جامعه ساخته شود. مساعی افراد در هر محدوده جغرافیایی مقدّماتاً متمرکز بر ازدیاد فعالیت‌های اصلی مشخصی بود که به روی همه سکنه باز بود ولی البته با این دید که در وقت مقتضی قابلیت جمعی لازم برای رسیدگی به جنبه‌های مختلف حیات اجتماعی و اقتصادی مردم نیز ایجاد گردد.

سپس در دهه بعد، اقدام اجتماعی به نحوی فزاینده در بافتار محدوده جغرافیایی شکل می‌گرفت. بدین ترتیب مفهوم اقدام اجتماعی در سطح مردمی، که تازه آغاز شده بود، توانست یک بُعد جمعی بس قوی‌تر و مشخص‌تری از آنچه قبلاً ابراز شده بود به خود بگیرد. طی همین مدت، دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی نیز پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای کسب نمود، هم در مساعی خود در سیستماتیک کردن تجربه حاصله از برنامه‌های نویدبخش و هم در یادگیری در باره ساختارها و روش‌های مورد نیازی که جوامع سراسر دنیا را قادر می‌ساخت تا نه تنها از آن برنامه‌ها استفاده نمایند بلکه به پیشرفت بیشتر آنها نیز کمک کنند. امروزه، تأسیس دفاتر قاره‌ای و شبه قاره‌ای را — که هر یک یا به شبکه‌ای از پایگاه‌های نشر یادگیری در باره برنامه توان‌دهی روحانی نوجوانان و یا به گروهی از سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی متعهد به ترویج برخی دیگر از برنامه‌های آموزشی خدمت می‌کنند — می‌توان به منزله اولین ثمرات تلاش‌های دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی در جهت ایجاد ساختارهایی در سراسر عالم برای ازدیاد قابلیت جمعی در این زمینه مشاهده نمود. بیت العدل اعظم در پیام ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ خود با تأکید بر اهمیت آنچه که تا کنون کسب گردیده می‌فرمایند:

استحکام فرایند مؤسسه آموزشی در دهکده و افزایش توان‌مندی‌هایی که در افراد پرورش داده است در نهایت ممکن است دوستان را قادر سازد که از روش‌ها و برنامه‌هایی که توسط یکی از سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی به وجود آمده و کارآیی آنها به تجربه ثابت شده و در محدوده جغرافیایی به پیشنهاد و با حمایت دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی به اجرا در آمده است بهره‌گیرند.

بنا بر این موفقیت‌های سه دهه اخیر در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی همراه با افزایش مستمر منابع انسانی در همه محدوددهای جغرافیایی، عالم بهائی را به مرحله جدیدی از مساعی خود برای اشتغال به اقدام اجتماعی در سطح مردمی رسانده است.

۲- چارچوبی برای یادگیری جمعی

شیوه عمل اتخاذ شده در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی، همانند زمینه‌های دیگر فعالیت‌های بهائی، شیوه یادگیری در عمل است. وقتی کارها با روحیه یادگیری انجام می‌شوند — شیوه‌ای که ویژگی‌اش اقدام مداوم، بازنگری، مشورت، و مطالعه است — بینش‌ها و خط‌مشی‌ها بارها مورد تجدید نظر قرار می‌گیرند، در حین انجام امور، موانع برطرف می‌گردد، منابع افزایش می‌یابد، درس‌ها آموخته می‌شود و در اهداف و روش‌ها تعدیل و اصلاحات به عمل می‌آید. فرایند یادگیری که از طریق ترتیبات مناسب تشکیلاتی هدایت می‌شود، به قسمی بسط می‌یابد که با رشد و تحول یک موجود زنده مشابه است بدین معنی که از تغییرات متشکست و بی‌نظم احتراز می‌شود و تداوم عمل حفظ می‌گردد.

بیت العدل اعظم در چندین مورد با اشاره به نحوه‌ای که فعّالان میدان خدمت در سطح محدودده جغرافیایی به مشارکت روزافزون در حیات اجتماع جلب خواهند شد فرموده‌اند: "لازم خواهد بود که در رویکردهای خود، در روش‌هایی که به کار می‌برید و در تدابیری که اتخاذ می‌کنید به همان درجه از انسجام که از مشخصات الگوی رشد کنونی جامعه است، دست یابید." بعضی از مسائلی که در سال‌های آینده در فرایند یادگیری که روز به روز قوی‌تر و عمیق‌تر خواهد شد مورد بررسی دقیق قرار خواهد گرفت عبارتند از اینکه چگونه اولین حرکت در عرصه اقدام اجتماعی در محدوده‌هایی با فرایند قوی دوگانه ترویج و تحکیم یکی بعد از دیگری پدید خواهد آمد، تا چه حد این کار به پرورش و هدایت مؤسسات نیاز خواهد داشت، و از چه راه‌هایی مساعی اقدام اجتماعی موجب تقویت بافت حیات جامعه خواهد شد.

به وضوح کسب تدریجی درجات بالاتری از انسجام، هم در درون و هم در بین میادین به هم وابسته مجهوداتی که جامعه بهائی به آنها اشتغال دارد مسئله‌ای حیاتی است. بدین معنی که عرصه‌های فعالیت باید مکمل، یک‌پارچه، و متقابلاً حامی یکدیگر باشند. به علاوه دست‌یابی به این انسجام مستلزم وجود یک چارچوب مشترک و فراگیر است که به فعالیت‌ها شکل می‌دهد و با اندوخته شدن تجارب، مشروح‌تر و وسیع‌تر می‌شود. تجلی عناصر گوناگون این چارچوب البته در همه حوزه‌های عمل یکسان نخواهد بود. بعضی از عناصر، در ارتباط با هریک از عرصه‌های فعالیت، در صف اول اهمیت قرار می‌گیرند در حالی که عناصر دیگر فقط نقشی ثانوی دارند. سه بخش بعدی این سند چند مورد از این عناصر را، به نحوی که در اقدام اجتماعی جلوه‌گر می‌گردند و طی سال‌ها تجربه شناسایی شده‌اند، توضیح می‌دهد.

از جمله عناصری که بیشترین ارتباط را با اقدام اجتماعی دارند می‌توان مفاهیمی را نام برد که خصیصه پیشرفت را تعیین می‌کنند: تمدن دارای دو بُعد مادی و روحانی است؛ بشریت در آستانه بلوغ جمعی خود قرار دارد؛ نیروهای ویران‌گر از یک سو و نیروهای سازنده از سوی دیگر در جهان دست به کاراند تا نوع بشر را در راستای مسیری به سوی بلوغ کامل او به پیش برند؛ روابط لازم برای تداوم اجتماع باید در پرتو ظهور حضرت بهاء‌الله از نو طرح‌ریزی شود؛ تقلیب و تحویل مورد نیاز باید به طور هم‌زمان در آگاهی بشر و در ساختار مؤسسات اجتماعی صورت پذیرد. این گونه مفاهیم، ماهیت مساعی توسعه‌ای بهائی را روشن می‌سازد، موضوعی که در بخش سوم این سند مورد بحث قرار گرفته است.

عناصر دیگری که به ماهیت اقدام اجتماعی مربوط می‌شوند از بینش خاصی از نقش دانش در توسعه اجتماع سرچشمه می‌گیرند. مثلاً مکملیت علم و دین، ضرورت تعلیم و تربیت مادی و معنوی، تأثیرگذاری ارزش‌های فطری تکنولوژی بر سازمان‌دهی اجتماع، و اهمیت تکنولوژی مقتضی (appropriate technology) در پیشرفت اجتماعی از جمله مسائل وابسته به اقدام اجتماعی می‌باشند. نظرهای مربوط به تولید و کاربرد دانش نه فقط برای ماهیت توسعه بلکه هم‌چنین برای مسئله روش‌شناسی مقتضیاتی در بردارد که موضوع مورد بحث بخش چهارم است. دسته دیگری از عناصر این چارچوب، یعنی اظهاراتی که مفاهیمی مانند فردگرایی، قدرت، مرجعیت، آسایش شخصی، خدمت خالصانه، کار، و کمال را تجزیه و تحلیل می‌کند نیز در ضمن مباحث بخش‌های سوم و چهارم مطرح شده‌اند.

در پایان باید اشاره شود که در کانون چارچوب مفهومی اقدام اجتماعی عناصری قرار دارد که عقاید راجع به مسائل بنیادین عالم وجود را توضیح می‌دهد مانند ماهیت انسان، هدف از حیات، یگانگی نوع بشر، و تساوی حقوق زن و مرد. گرچه این عناصر از نظر بهائیان معتقدات و اصولی انکارناپذیر را بیان می‌کنند ولی این عقاید ایستا نیستند بدین معنی که نحوه درک و ابراز آنها در بسترهای مختلف به مرور زمان تکامل می‌یابد. بسیاری از این معتقدات زیربنای مباحثی هستند که در سراسر این سند شرح و بسط داده شده است؛ برخی از آنها در بخش پنجم به طور صریح مورد توجه قرار گرفته‌اند تا مقتضیات و پی‌آمدهای آنها برای کار توسعه به روشنی نشان داده شود.

۳- ماهیت توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی

هدف فعالیت‌های بهائی در عرصه توسعه اجتماعی و اقتصادی، پیشبرد رفاه مردم از همه طبقات اجتماع، قطع نظر از باورها و پیشینه آنها می‌باشد. این فعالیت‌ها نمایان‌گر مساعی یادگیری جامعه بهائی در راه به کار بستن توأمان آموزه‌های بهائی و دانش موجود در زمینه‌های مختلف مجهودات بشری، در رابطه با واقعیات اجتماعی و برای ایجاد تغییرات سازنده اجتماعی است. منظور از این فعالیت‌ها نه اعلان عمومی دین بهائی و نه تبلیغ و جلب مردم به این آیین می‌باشد. آنچه در زیر ملاحظه می‌شود بحثی است در باره برخی از عناصر این چارچوب مفهومی که به تعریف ماهیت این فعالیت‌ها کمک می‌کند.

(۱) انسجام بین مادّیات و معنویات

برای بررسی ماهیت اقدام اجتماعی از دیدگاه آیین بهائی، لازم است که آن را در بافتار کلی پیشرفت تمدن ملاحظه نمود. این نکته که تمدنی جهانی برخوردار از رفاهی هم مادّی و هم معنوی، معرف مرحله بعدی فرایند هزاران ساله تکامل اجتماعی نوع بشر می باشد، مفهومی را از تاریخ ارائه می دهد که به تمام موارد اقدام اجتماعی یک هدف خاص می بخشد: هدف ایجاد رفاه واقعی با ابعاد مادّی و معنوی اش در بین ساکنان متنوع کره زمین. بنا بر این، یک مسئله بسیار مهم در این راستا، ضرورت دستیابی به انسجامی پویا بین نیازهای عملی و روحانی زندگی است. حضرت عبدالبهاء می فرمایند که "هرچند مدنیّت مادّی از وسائط ترقّی عالم انسانیت"، ولی مادام که "منضم به مدنیّت الهیه نشود نتیجه که سعادت بشریه است حصول نیابد"، سپس می فرمایند:

مدنیّت مادّیه مانند زجاجست و مدنیّت الهیه مانند سراج. زجاج بی سراج تاریک است. مدنیّت مادّیه مانند جسم است ولو در نهایت طراوت و لطافت و جمال باشد مرده است. مدنیّت الهیه مانند روح است. این جسم به این روح زنده است و آلا جیفه گردد. پس معلوم شد عالم انسانی محتاج به نفثات روح القدس است. بدون این روح عالم انسانی مرده است و بدون این نور عالم انسانی ظلمت اندر ظلمت است.

سعی در ایجاد انسجام بین مادّیات و معنویات به معنای ناچیز شمردن اهداف مادّی توسعه نیست اما مستلزم رد کردن رویکردهایی است که توسعه را به این شرح تعریف می کند: انتقال باورهای ایدئولوژیکی، ساختارهای اجتماعی، روال های اقتصادی، مدل های زمام داری و نهایتاً انتقال همان الگوهای زندگی رایج در بعضی مناطق بسیار پیشرفته صنعتی جهان به همه اجتماعات دیگر. هنگامی که ابعاد مادّی و معنوی حیات یک جامعه مد نظر است و زمانی که هم دانش علمی و هم دانش روحانی مورد توجه مقتضی قرار می گیرند، از گرایش هایی اجتناب می شود که در آن توسعه صرفاً به مصرف کالا و خدمات و به استفاده ساده دلانه از بسته های تکنولوژیکی تقلیل یافته است. به عنوان مثال، دانش علمی، به اعضای یک جامعه کمک می کند تا عواقب مادّی و اجتماعی یک طرح تکنولوژیکی — مثلاً اثر آن بر محیط زیست — را تجزیه و تحلیل کنند و بینش روحانی، تعهداتی اخلاقی را در آنان ایجاد می کند که سبب می شود هماهنگی اجتماعی رعایت گردد و تکنولوژی در خدمت خیر و صلاح عمومی به کار رود. این دو منبع دانش توأمأ بر شوق و شور و پویایی افراد و جوامع که عواملی بسیار ضروری برای رهایی از قید بی تفاوتی و رخوت می باشند، اثری عمیق می گذارند و آنان را قادر می سازند تا از وجود دام های مصرف گرایی کاملاً آگاه باشند.

گرچه اهمیت دانش علمی برای فعالیت‌های توسعه در سراسر جهان به آسانی اذعان می‌شود، اما به نظر می‌رسد که در باره نقشی که دین باید در این زمینه ایفا کند توافق زیادی وجود ندارد. نظرها در مورد دین غالباً با افکاری از تفرقه، نزاع و سرکوب‌گری همراه است و نوعی بی‌علاقگی نسبت به روی آوردن به دین به عنوان یک منبع دانش — حتی در بین کسانی که کفایت رویکردهای کاملاً مادی را زیر سؤال می‌برند — به وجود می‌آورد. جالب اینست که مقام والایی که علم از آن برخوردار است لزوماً بدان معنا نیست که کاربرد و مقصد آن به خوبی درک شده است. معنای بنیادین علم نیز با برداشت‌های غلط پوشیده شده است. علم غالباً به معنای کاربرد تکنیک‌ها و فرمول‌های خاصی تصور می‌شود که گویی به نحوی جادویی به نتایج گوناگونی منتهی می‌گردد. بنا بر این جای تعجب نیست که آنچه دانش دینی انگاشته می‌شود با علم هماهنگی ندارد و بسیاری از آنچه که به نام علم منتشر می‌گردد قابلیت‌های روحانی پرورش یافته توسط دین را انکار می‌کند.

اقدام اجتماعی با هر بعد و با هر میزانی از پیچیدگی، باید بکوشد تا از برداشت‌های ساده‌انگارانه و تحریف شده در باره علم و دین برکنار بماند. بدین منظور، باید از دوگانگی تخیلی بین عقل و ایمان — که عقل را به قلمرو شواهد تجربی و استدلال‌ات منطقی محدود می‌کند و ایمان را با خرافات و افکار غیر عقلانی ارتباط می‌دهد — اجتناب نمود. فرایند توسعه باید عقلانی و سیستماتیک باشد و توانمندی‌های علمی را — مثل مشاهده، اندازه‌گیری، و آزمایش موشکافانه نظرها — شامل شود و در عین حال وقوفی عمیق نسبت به ایمان و اعتقادات روحانی داشته باشد. به فرموده حضرت عبدالبهاء "ایمان دانستن است و عمل خیر مجری داشتن." ایمان و عقل را می‌توان از صفات روح انسانی دانست که از طریق آنها می‌توان بینش و دانش در باره ابعاد مادی و معنوی وجود را کسب نمود. این دو عامل، شناسایی قدرت‌ها و قابلیت‌های نهفته در افراد و در کل عالم انسانی را ممکن می‌سازند و مردم را قادر می‌نمایند تا برای تحقق این استعدادها تلاش کنند.

(ب) مشارکت

تمدن شایسته بشریتی که مراحل اولیه تکامل اجتماعی را پشت سر گذاشته و به بلوغ خود نزدیک می‌شود با مساعی گروه نخبه‌ای از ملل یا حتی شبکه‌ای از دوایر ملی و بین‌المللی پدید نخواهد آمد بلکه تمامی نوع بشر باید وظیفه خطیر ایجاد آن را بر عهده بگیرند. هر عضوی از جامعه بشری نه تنها حق آن را دارد که از یک تمدن مرفه و شکوفای مادی و معنوی بهره‌مند گردد بلکه موظف است که به ساختن آن تمدن نیز کمک کند. بنا بر این اقدام اجتماعی باید بر اساس مشارکت عمومی عمل نماید.

در ادبیات توسعه، مسائل مربوط به مشارکت به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. اما چه در تئوری و چه در عمل، این اصل حیاتی غالباً در سطح فنی مثلاً از طریق استفاده از نظرسنجی‌ها و گروه‌سنجی‌ها مورد توجه قرار گرفته است. البته این قبیل ابزارها به مانند مساعی مجدانه‌تر به منظور ازدیاد مشارکت در فرایندهای سیاسی و یا برای ارائه کارآموزی به بهره‌وران از خدمات دوایر دولتی یا غیر دولتی، محاسن خود را دارند. اما این تمهیدات برای آن نوع مشارکتی که در بالا بیان شد هنوز کافی نیست. آنچه احتمالاً در هر منطقه، خردمنطقه یا محدوده جغرافیایی مورد نیاز است، مشارکت تعداد روزافزونی از مردم در یک فرایند یادگیری جمعی است، فرایندی که بر ماهیت و خصوصیات مسیری تمرکز دارد که به پیشرفت مادی و معنوی دهکده‌ها و محله‌هایشان می‌انجامد. یک چنین فرایندی به شرکت‌کنندگان خود امکان می‌دهد تا در تولید، کاربرد و انتشار دانش — نیرویی بسیار قدرتمند و ضروری برای پیشبرد تمدن — اشتغال ورزند.

در این رابطه، وقوف بر این نکته حائز اهمیت است که کاربرد و انتشار دانش موجود، همواره با تولید دانش جدید همراه است و قسمت اعظم آن به صورت بینش حاصله از تجربه می‌باشد. در اینجا است که سیستماتیک کردن یادگیری بی‌نهایت اهمیت می‌یابد. وقتی که گروهی از افراد که در سطح مردمی کار می‌کنند شروع به کسب تجربه در اقدام اجتماعی می‌نمایند، اولین درس‌های آموخته شده ممکن است چیزی بیش از چند داستان و امثله و رخداد‌های شخصی پراکنده نباشد ولی به مرور زمان، الگوهای پدید می‌آید که می‌توان آنها را ثبت و با دقت تجزیه و تحلیل نمود. برای تسهیل سیستماتیک کردن دانش، ساختارهای مناسبی باید در سطح محلی ایجاد گردد از قبیل مؤسسات و دوایری با اختیارات لازم تا انسجام فرایند یادگیری را حفظ کنند و مطمئن شوند که به اظهار نظر و یا به مجموعه‌ای از تجارب گوناگون تقلیل نیابد؛ به عبارت دیگر مراقب باشند که دانش قابل اثبات و موثق تولید شود. در این مورد، اختیارات تفویض شده به مؤسسات نظم اداری که در سطح مردمی کار می‌کنند تا خواست فردی را با اراده جمعی هماهنگ سازند، به جامعه بهائی قابلیت فوق‌العاده‌ای برای پرورش، حمایت و تشویق مشارکت اعطا می‌کند.

فرایند یادگیری در سطح محلی، هر قدر ضروری و مهم باشد، اگر با فرایندی جهانی در باره رفاه مادی و معنوی کل نوع بشر مرتبط نباشد تأثیرگذاریش محدود خواهد ماند. بنا بر این ساختارهایی در همه سطوح، از محلی تا بین‌المللی، مورد نیاز است تا یادگیری در باره توسعه را تسهیل کند. در سطح بین‌المللی، این چنین یادگیری مستلزم میزانی از مفهوم‌سازی‌هایی است که فرایندهای وسیع‌تر تحوّل جهانی در حال وقوع را در نظر می‌گیرد و بر حسب آن مسیر کلی فعالیت‌های توسعه را تعدیل می‌کند. از این نظر دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی خود را یک نهاد یادگیری مختص سیستماتیک کردن تجارب روزافزون جهانی می‌داند، تجاربی که با مشارکت تعداد فزاینده‌ای از افراد، دوایر و جوامع حاصل شده است. با گسترش این مشارکت، دفتر مزبور می‌کوشد تا قابلیت خود را برای

مشاهده اقدامات مردمی، برای شناسایی و تجزیه و تحلیل الگوهایی که تحت شرایط مختلف پدید آمده‌اند، برای انتشار دانشی که به این نحو تولید شده، برای تقویت ساختارهای لازم به این منظور، و برای تحرک بخشیدن به فرایند یادگیری در تمام سطوح، افزایش دهد. بدین ترتیب رویکردی به توسعه که مورد توجه و تمرکز قرار می‌گیرد از طبقه بندی‌های "از بالا به پایین" و یا "از پایین به بالا" بدور و بر تعاضد و هم بستگی مبتنی می‌باشد.

(ج) قابلیت‌سازی

هنگامی که توسعه به صورت مشارکت تعداد فزاینده‌ای از مردم در یک فرایند یادگیری جمعی مشاهده شود، آنگاه مفهوم قابلیت‌سازی اهمیّت خاصی پیدا می‌کند. به این ترتیب، چون هر اقدام اجتماعی طبعاً هدفش بهبود برخی از جنبه‌های حیات یک جمعیت خواهد بود، آن اقدام نمی‌تواند صرفاً بر ارائه کالاها و خدمات تمرکز نماید — رویکردی به توسعه که امروزه در جهان فراگیر است غالباً رفتاری پدرمآبانه به همراه دارد و روش‌هایی را به کار می‌گیرد که موجب توان‌زدایی از کسانی می‌شود که باید پیش‌گامان تغییر باشند. برای یک اقدام اجتماعی، تعیین و اجرای دستیابی به اهدافی خاص به منظور بهسازی شرایط، امری مشروع می‌باشد ولی آنچه به مراتب اساسی‌تر است افزایش هم‌زمان قابلیت شرکت‌کنندگان در کوششی برای کمک به پیشرفت است. منظور از لزوم قابلیت‌سازی البته تنها در رابطه با فرد نیست، هرچند که این مسئله بسیار حائز اهمیّت است، بلکه در مورد مؤسّسات و جامعه — دو شرکت‌کننده دیگر در پیشبرد تمدّن — نیز به همان اندازه مهم است.

در سطح فردی، نفوذ و اثرات مؤسسه آموزشی جنبه حیاتی دارد. این مؤسسه با مجهز ساختن افراد با بینش و دانش روحانی، خصایص و نگرش‌ها، و مهارت‌ها و توانایی‌های لازم برای ایفای خدمت که جزء ضروری حیات جامعه بهائی است، گنجینه‌ای از منابع انسانی ایجاد می‌کند و امکان شکوفایی شدن مجهودات توسعه اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌سازد. شرکت‌کنندگان در این چنین مجهوداتی به نوبه خود قادرند که دانش و مهارت‌های مربوط به زمینه‌های خاصی از اقدام را که به آن اشتغال دارند — از جمله بهداشت، تولیدات کشاورزی، و آموزش و پرورش — کسب نمایند و به تحکیم قابلیت‌هایی که قبلاً توسط مؤسسه در آنان پرورش یافته، مثلاً ترویج وحدت در کثرت، پیشبرد عدالت، مشارکت مؤثر در مشورت و همراهی دیگران در تلاش‌شان برای خدمت به بشریت ادامه دهند.

مسئله قابلیت‌تشکیلاتی نیز به همین نحو نیاز به توجه مقتضی دارد. مؤسّسات امری با اندوختن تجربه، به خصوص در بستر تلاش‌شان برای تأمین تمهیدات نقشه‌های جهانی، با مهارت و کاردانی بیشتری در ارائه کمک، منابع، تشویق، هدایت مشفقانه ابتکارات مناسب، شور و مشورت آزاد و هماهنگ در بین خود و با مردمی که به آنان خدمت می‌کنند، و در سوق دادن انرژی فردی و جمعی

در جهت تقلیب اجتماع عمل می نمایند. بنا بر این هر کوششی در عرصه اقدام اجتماعی نیز باید مسئله قابلیت تشکیلاتی را در نظر بگیرد زیرا حتی کوچک ترین گروه از افرادی که در سطح مردمی فعالیت می کنند باید قادر باشند که یک جو مشورتی برخوردار از صداقت، انصاف، صبر، مدارا و ادب را حفظ کنند. در سطح بالاتری از پیچیدگی، سازمانی که مختص اقدام اجتماعی است، باید قابلیت لازم را کسب نماید تا اجتماع را قرائت کند، نیروهای عامل در آن را شناسایی نماید، بینشی از پیشرفت را در پروژه ها و خطوط عمل مشخص و وابسته به هم پیاده کند، منابع مالی را اداره کند، و با دوایر دولتی و غیر دولتی تعامل و تشریک مساعی نماید.

قابلیت سازی در افراد و مؤسسات با توسعه جوامع به نحوی هم گام و هماهنگ پیش می رود. بهائیان در دهکده ها و محله ها در سراسر جهان به فعالیت هایی اشتغال دارند که حالت نیایش و عبادت جوامع شان را غنی می سازد، به تعلیم و تربیت روحانی کودکان می پردازد، بینش روحانی نوجوانان را قوت بخشیده قدرت بیان و ابراز منویات شان را تقویت می کند و تعداد فزاینده ای را قادر می سازد که کاربرد تعالیم امر مبارک را در زندگی فردی و جمعی خود بررسی نمایند. اما یک فرایند توسعه جامعه باید از سطح فعالیت فراتر رود و توجه خود را به آن شیوه های بیان و الگوهای فکری و رفتاری معطوف دارد که شاخص بشریتی است که به سن بلوغ خود نزدیک می شود. به عبارت دیگر، این فرایند باید وارد حیطه فرهنگ شود. از این دیدگاه، اقدام اجتماعی می تواند موقعیتی باشد برای بالا بردن آگاهی جمعی در مورد اصولی حیاتی مانند یگانگی، عدالت، و تساوی زن و مرد؛ برای ایجاد محیطی متمایز به خصایصی مانند صداقت، انصاف، امانت، و سخاوت؛ برای افزایش توانایی جامعه جهت مقاومت در برابر نفوذ قوای مخرب اجتماعی؛ برای نشان دادن ارزش هم کاری به عنوان یک اصل سازمان دهنده هر فعالیت؛ برای تحکیم اراده جمعی؛ و برای القای بینش و روح تعالیم الهی در میدان عمل. زیرا در تجزیه و تحلیل نهایی بسیاری از اساسی ترین مسائلی که برای پیدایش یک تمدن جهانی مرفه و پیشرو ضروری است باید در سطح فرهنگ مورد رسیدگی قرار گیرد.

آنچه در اینجا ادعانش لازم به نظر می رسد اینست که افزایش قابلیت هر یک از این سه بازی گر به تنهایی و در انزوا صورت نمی گیرد؛ پیشرفت هر یک به ناچار با تقدّم دو عضو دیگر ارتباط دارد. بیان ذیل از حضرت ولی عزیز امر الله بر این مطلب اشاره دارد:

ما نمی توانیم قلب انسان را از محیط اطراف مان جدا سازیم و بگوییم وقتی که یکی از این دو اصلاح شود همه چیز بهبود خواهد یافت. انسان جزء لاینفک دنیا است و با آن ارتباطی ارگانیک دارد. حیات باطنی او به محیط اطرافش شکل می دهد و خودش نیز عمیقاً تحت تأثیر محیط قرار می گیرد. هر یک بر دیگری تأثیر می گذارد و هر تغییر پایداری در حیات بشری نتیجه این واکنش متقابل است. (ترجمه)

(د) میزان پیچیدگی

حقیقت انکارناپذیر آنکه فرایند توسعه طبعاً پیچیده است. این فرایند می‌تواند فعالیت در زمینه‌هایی مانند کشاورزی و دامپروری، صنعت و بازاریابی، مدیریت امور مالی و منابع طبیعی، بهداشت و بهسازی، آموزش و اجتماعی کردن، ارتباطات و سازمان‌دهی جامعه را شامل گردد. بدین ترتیب دانشی که برای مسائل مربوط به توسعه جوامع جهان باید به کار گرفته شود در حیطه یک رشته یا یک حوزه خاص نمی‌گنجد و واضحاً اقدامات میان‌رشته‌ای و چندبخشی مورد نیاز است. اما ده‌ها سال طول خواهد کشید تا قابلیت برای پی‌گیری این گونه اقدامات هماهنگ شده، و یا برای پرداختن به مسائل توسعه در سطوح بالا و بالاتری از پیچیدگی و اثرگذاری، در جامعه بهائی به وجود آید.

اقدام اجتماعی طیفی وسیع دارد و می‌تواند از مساعی نسبتاً غیر رسمی و کوتاه‌مدت گروه کوچکی از افراد تا برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی با میزانی از پیچیدگی و پیشرفتگی که توسط سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی اجرا می‌شود را شامل گردد. تجربه روشن می‌سازد که تأثیرات متقابل فرایندهایی که به اقدام اجتماعی منتهی می‌گردد را نمی‌توان به صورت یک فرمول واحد توصیف نمود. اما دامنه و پیچیدگی اقدام اجتماعی، قطع نظر از اوضاع و احوال، باید در هر زمان متناسب با منابع انسانی موجود در جامعه برای انجام آن اقدام باشد. به علاوه مالکیت آن اقدام متعلق به خود جامعه است که این نیز حاکی از وجود میزانی از اراده جمعی است.

مجهودات و مساعی، طبیعت خاص آنها هر چه باشد، عموماً در مقیاسی کوچک و اغلب در جایی شروع می‌شود که فعالیت‌های آموزشی مؤسسه آموزشی به نحو پایداری مستقر شده و در جامعه احساسی آشکار از همبستگی وجود دارد. اولین طلیعه‌های بارز آگاهی اجتماعی را می‌توان در پدید آمدن گروه کوچکی مشاهده نمود که با توجه به یک واقعیت اجتماعی و اقتصادی، چند اقدام ساده و مناسب را آغاز می‌نماید. در عین حال که بعضی از این نوع جهودات بعد از رسیدن به هدف‌شان طبیعتاً پایان خواهند یافت، جهودات دیگری هستند که ادامه می‌یابند. اصرار در تداوم بخشیدن و یا حتی گسترش دادن همه اقدامات، چه از لحاظ تعداد شرکت‌کننده، هزینه، پوشش جغرافیایی و چه از نظر پیچیدگی کار، نتیجه معکوس خواهد داشت. اما ممکن است شرایطی وجود داشته باشد که در آن هر فعالیت از طریق فرایند مستمر مشورت، عمل، و بازنگری به جهوداتی با ماهیتی پایدارتر بیانجامند. در این گونه موارد آنچه حائز اهمیت است آنست که به افراد دست‌اندرکار اجازه داده شود تا به نحوی ارگانیک، بدون فشار بی‌جای ناشی از عقایدی که صرفاً مبتنی بر ملاحظات نظری است، دامنه فعالیت‌های خود را گسترش دهند. با تأمل بر نتایج تجربیات، فرایند با انعطاف‌پذیری به پیش می‌رود. محفل روحانی محلی در مقام مرجعیت اخلاقی البته عمل می‌نماید

تا اطمینان حاصل کند که اصالت مجهودات گروه‌های کوچک افراد که برای بهبود شرایط کوشش می‌کنند خدشه‌دار نگردد. محفل روحانی همواره نیز مراقب خواهد بود که تلاش‌ها در خلاف جهت کلی حرکت جامعه سوق داده نشود.

در برهه‌ای از زمان، ممکن است اعضای جامعه قادر باشند که از برنامه‌های آموزشی ترویج شده توسط یکی از سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی در منطقه و مورد حمایت دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی نیز استفاده کنند. گسترش تدریجی چنین برنامه‌ای در جامعه موجب افزایش نیروی انسانی و تقویت ساختارهای سازمان‌دهی لازم برای تداوم کارهای جاری می‌گردد. نهایتاً بسیاری از کسانی که از چنین برنامه‌هایی بهره می‌برند به نوبه خود نیروی خویش را صرف اجرای همان نوع اقدام اجتماعی مردمی که در بالا ذکر شد می‌نمایند. اما در اینجا نیز بینش نهایی هر چه باشد، دقت لازم به عمل می‌آید که کار در یک زمینه واحد آغاز گردد و فعالیت‌ها تدریجاً با مرور زمان گسترش یابند. مثلاً مدرسه جامعه (Community School) اصولاً می‌تواند مرکزی برای فعالیت‌هایی مانند تولیدات کشاورزی، آموزش بهداشت و مشاوره خانواده بشود. اما در بیشتر موارد صلاح آنست که صرفاً به عنوان یک مدرسه شروع به کار کند و همه منابع خود را صرف کودکانی بنماید که قصد خدمت به آنان را دارد.

در این راستا، مساعی دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی برای تقویت قابلیت‌های تشکیلاتی سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی اهمیت می‌یابد و در اینجا لازم است چند کلمه‌ای در باره پیدایش چنین دوایری در سراسر جهان ذکر شود. بهائیان همگی، چه در امور حرفه‌ای چه در ایفای مسئولیت‌های شغلی و چه در سایر معاملات خود، از تعالیم و اصول آیین بهائی الهام می‌گیرند و می‌کوشند که موازین عالی آن را در تعاملات روزانه خود منعکس نمایند. به علاوه، تعدادی از بهائیان با توجه به ماهیت کار توسعه، تصمیم خواهند گرفت که به یکی از نهادهای ملی یا بین‌المللی که برای رفاه نوع بشر کار می‌کنند بپیوندند و در عملیات خود، تا حد ممکن، تعالیم بهائی را مد نظر داشته باشند. به این ترتیب مساعی شان ملهم از آیین بهائی است. اما در بستر فعالیت‌های خود جامعه بهائی، اصطلاح سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی به شیوه بسیار مخصوصی به کار می‌رود. یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی که معمولاً توسط گروه کوچکی از احبب ایجاد می‌شود، در عین حال که تحت هدایات کلی و مرجعیت اخلاقی مؤسسات بهائی باقی می‌ماند، می‌تواند طیفی از ابتکارات توسعه را در یک منطقه با میزانی از آزادی عمل در اداره امور روزمره خود دنبال نماید. با تشکیل چنین سازمانی، تأکید طبیعتاً بر کیفیت فعالیت‌های آن است و با احتراز از تصور "هر چه بزرگ‌تر، بهتر" مسئله مناسب‌ترین میزان گسترش فعالیت‌های سازمان به تدریج روشن می‌گردد. مؤسسات و نهادهای بهائی، از جمله دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی، تشویق و راهنمایی می‌کنند و در شرایط مقتضی، منابع لازم را در اختیار این سازمان‌ها قرار می‌دهند. تعداد کمی از این سازمان‌ها، طی چندین سال

به صورت سازمان‌های توسعه‌ تمام عیار با قابلیت اشتغال به فعالیت در عرصه‌های نسبتاً پیچیده و پیشرفته و برقرار کردن روابط کاری با دواير دولتی و جامعه مدنی، تکامل یافته‌اند.

هر قدر مفهوم یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی بتواند مفید باشد، پیاده کردن آن در شرایط مختلف مستلزم بررسی دقیق است. نحوه‌ای که یک چنین سازمانی از حیات منطقه نشئت می‌گیرد و به پیشرفت آن کمک می‌کند حائز اهمیت فوق‌العاده‌ای است. تأسیس آن نه می‌تواند با بی‌نظمی صورت پذیرد و نه می‌تواند صرفاً از اشتیاق دو یا سه نفر برای تحقق بخشیدن به آمال شخصی، ولو انسان دوستانه، ناشی شود. یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی که در منطقه‌ای به کار مشغول است معنی و اهمیت خود را تا حدی از ارتباطش با سایر فعالیت‌های منطقه کسب می‌کند زیرا مساعی این سازمان یکی از چندین فعالیت متعامل و اثرگذار بر یکدیگر است که از طریق آنها پیشرفت مستمر حاصل می‌شود. ارزش چنین سازمان‌هایی در مناطق مختلف جهان برای کار توسعه کاملاً آشکار است اما نیروی تقلیب‌کننده هزاران هزار اقدام ساده مردمی را که در یک چارچوب مشترک با هم مرتبط‌اند نباید ناچیز شمرد.

(۵) حرکت منابع

همه فعالیت‌های بهائی در پرتو اعتقادی بنیادین به یگانگی نوع بشر انجام می‌شوند. همگان با استعداد و منابع خود به پیشبرد هدفی مشترک کمک می‌کنند و همه در شادی این پیشرفت شریکند. بنا بر این بدیهی است تأکید می‌شود که بر اقدام محلی نهاد می‌شود نباید به عنوان تمایل به انزوا و تک‌روی تلقی گردد.

توسعه اجتماعی و اقتصادی نیاز به انتقال و حرکت منابع دارد، هم منابع مادی و هم منابع فکری. جوامع بهائی از طریق مؤسسات و نهادها در سطح محلی، منطقه‌ای، ملی، قاره‌ای و بین‌المللی با یکدیگر مرتبط‌اند و هر یک از آنها به حفظ و ترویج اصل یگانگی نوع بشر متعهد است. این ترتیب تشکیلاتی امکان می‌دهد که منابع موجود به نحوی سازمان‌یافته و سیستماتیک جریان یابد و جوامع در نواحی روستایی و هم‌چنین در مناطق بسیار صنعتی به طور یکسان از آنها بهره‌مند شوند. در فعالیت‌های بهائی در زمینه توسعه و در واقع در همه مجهودات بهائی جایی برای شیوه تقسیم جهان به گروه‌های دوگانه "توسعه یافته" و "در حال توسعه"، یا "پیشرفته" و "عقب مانده"، وجود ندارد.

در هر حال باید صریحاً اذعان نمود که بدون توزیع عادلانه ثروت مادی در بین مردم جهان، فقر را نمی‌توان برطرف کرد. مؤسسه حقوق‌الله در واقع وسیله‌ای نیرومند برای پیشبرد رفاه نوع بشر فراهم می‌سازد. بهائیان در سراسر جهان، با اجرای حکم حقوق‌الله که مستلزم پرداخت درصدی از ثروت اضافی شخصی است، می‌دانند که با تقدیم وجوه به بیت العدل اعظم، انتقال مادی را در

جهت ترویج رفاه اجتماع تسهیل می نمایند. در حال حاضر، مبالغ موجود به مراتب کم تر از احتیاجات مناطق وسیعی از کره زمین است که فاقد منابع مالی لازم هستند. با این حال اجرای این حکم به بیت العدل اعظم امکان می دهد که وجوهی برای پروژه های توسعه در دست اجرا در همه قارات جهان فراهم نماید.

به غیر از وجوه موجود از طریق مؤسسه حقوق الله و تبرعات مرتبی به سایر مؤسسات، از جمله تبرعاتی که به طور خاص برای اقدام اجتماعی تقدیم می شود، مجهودات در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی می توانند از منابع موجود از طرف دولت ها و نهادهای تأمین مالی نیز بهره مند شوند. اما این منابع مالی، قطع نظر از منشأ آنها، به هیچ وجه دستورالعمل فعالیت های توسعه برای جوامع دریافت کننده کمک را تعیین نمی کنند. روابط وابستگی بسیار رایج در جهان امروز که به موجب آن بعضی از مناطق عالم برای دسترسی به منابع، متکی و مدیون مناطق دیگر هستند قابل قبول نیست.

بیت العدل اعظم در پیام رضوان ۲۰۱۰ خود روشن نمودند که "تغییر و تحوّل اجتماعی پروژه ای نیست که یک گروه از مردم به جهت خیر و مصلحت گروه دیگر انجام دهد"، و به طور کلی بهائیان ساکن یک ناحیه برای ساکنین سایر نواحی پروژه های توسعه تعیین نمی کنند. اما حرکت افراد از جامعه ای به جامعه دیگر و فرای مرزها البته صورت می پذیرد و در این موارد راهنمای هر فرد بهائی کلام حضرت بهاء الله است که می فرمایند: "از بیگانگی چشم بردارید و به یگانگی ناظر باشید." هنگامی که بهائیان محلّ اقامت خود را تغییر می دهند و یا به خاطر وظایف شغلی به جای دیگری نقل مکان می کنند، آنان جزئی از نظام جمعی جامعه محلی جدیدشان می شوند و دیگران نیز آنان را به همین چشم می نگرند. این تازه واردین تحت هدایت مؤسسات امری محلی قرار می گیرند، مؤسساتی که مسئول تسهیل انتقال دانش و جهت بخشیدن به نیروی تمام اعضای جامعه خود می باشند. بدین ترتیب فردی کارشناس از خارج اجازه نمی یابد که آرمان های حرفه ای خود را بر سکنه محلی تحمیل نماید.

به این ترتیب در مساعی بهائیان در همه جا می توان پیدایش جامعه ای جهانی را مشاهده نمود که از طریق مؤسساتش به هم مرتبط است و می کوشد تا الگویی از فعالیت را برقرار سازد که به خودمختاری محلی احترام می گذارد بدون آنکه حس جدایی از کل را ایجاد کند، برای وسایل مادی اهمیت قائل می شود بدون آنکه اجازه دهد که این وسایل به ابزار سلطه جویی تبدیل شوند، تمهیدات انتقال دانش را فراهم می سازد بدون آنکه روش های پدرمآبانه به کار برد و قابلیت افراد را بدون هیچ گونه توجه به پیشینه اقتصادی آنان تقویت می کند. بهائیان در عین حال که در اقداماتی برای بهبود اوضاع محیط اطراف خویش فعّالانه اشتغال دارند، خود را جزئی از یک فرایند توسعه با دامنه و نفوذی جهانی می دانند.

۴- روش‌شناسی توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی

علاوه بر عناصر چارچوب مفهومی‌ای که ماهیت فعالیت‌های توسعه بهائی را توصیف می‌کند، چند مفهوم دیگر وجود دارد که روش‌هایی را که باید اتخاذ گردد روشن می‌سازد. از جمله: تحقیق و کاوش جمعی درباره واقعیت را می‌توان به بهترین وجه در جوی انجام داد که مشوق و ارستگی از نظرهای شخصی است؛ چنین تحقیق مستمری باید اهمیتی مقتضی برای اطلاعات تجربی معتبر قائل شود؛ آنچه صرفاً یک نظر و نگرش است نباید به مقام و اعتبار حقیقت ارتقا داده شود؛ نتیجه‌گیری‌ها باید با پیچیدگی مسائلی موجود هم‌خوانی داشته باشند و به یک رشته نکات ساده‌انگارانه تقسیم نگردند؛ بیان مشاهدات و نتیجه‌گیری‌ها باید به زبانی دقیق و بی‌طرفانه ارائه شود؛ پیشرفت در هر عرصه‌ای از مجهودات مشروط به ایجاد محیطی است که در آن توان‌ها چندین برابر می‌شوند و خود را در اقدام هماهنگ متجلی می‌سازند — این قبیل مفاهیم کلی، برگرفته هم از علم و هم از دین، چشم‌انداز روش‌شناختی خاصی را تشکیل می‌دهند که در زیر مورد بحث قرار گرفته است.

(۱) قرائت اجتماع و تنظیم یک دیدگاه

همان‌طور که قبلاً اشاره شد مجهودات در عرصه اقدام اجتماعی غالباً شکل عملیات ساده‌ای را به خود می‌گیرند که توسط گروه‌های کوچکی از افراد ساکن محل انجام می‌شوند. این حرکت‌های مردمی را به یک معنی می‌توان پاسخی به قرائت واقعیت اجتماعی دانست هرچند به ندرت در آن سطح صریحاً به این صورت ابراز می‌گردند. برای مجهودات مفصل‌تر و پیچیده‌تر توسعه اجتماعی و اقتصادی، قرائت دقیق‌تر و صحیح‌تر اجتماع باید یکی از عناصر مشخص روش یادگیری باشد.

هر فعالیت در زمینه توسعه را می‌توان نمایان‌گر پاسخی به یک برداشت خاص از ماهیت و وضع اجتماع، از چالش‌های موجود، از قابلیت‌های مردم، از مؤسساتی که در آن عمل می‌کنند، و از قوایی که بر آن تأثیر می‌گذارند دانست. این نحوه قرائت اجتماع به معنی بررسی همه جزئیات واقعیت اجتماعی نیست و لزوماً مطالعات رسمی را ایجاب نمی‌کند. شرایط باید، هم از چشم‌انداز هدف یک تلاش خاص و هم در بستر بینشی از موجودیت جمعی نوع بشر به طور تدریجی درک شود. برآستی آنچه جنبه حیاتی دارد اینست که قرائت اجتماع بر اساس تعالیم امر مبارک استوار باشد. چند نمونه از تعالیمی که درک انسان از واقعیت اجتماعی را شکل خواهد داد از این قرارند: ماهیت واقعی انسان روحانی است؛ هر فرد انسان مانند معدنی از جواهرات گران‌بها و سرشار از استعداد‌های بی‌کران است؛ قوای سازنده و تخریب‌کننده هر یک به طریق خود بشریت را به سوی سرنوشت خویش به پیش می‌برند. سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی که خطوط عمل نسبتاً پیچیده‌ای را حمایت می‌کنند لازم است تا آنجا که توانایی‌شان اجازه می‌دهد با استفاده از روش‌های علمی و به طور مستمر قرائت خود از اجتماع را تلطیف و اصلاح نمایند.

حائز اهمیت است که در نظر داشته باشیم که قرائت واقعیت اجتماعی یک جمعیت توسط افرادی از درون با مطالعه آن توسط فرد یا افرادی از خارج تفاوت دارد. در مواردی که جمعیت مورد نظر از لحاظ منابع مادی نسبتاً فقیر است، دیگران که به منابع بیشتری دسترسی دارند غالباً فقط محرومیت‌ها را می‌بینند و ممکن است استعداد سرشار جمعیت، آرمان‌های اعضای آن و قابلیت‌شان برای آنکه به پا خیزند و خود عامل تغییر در جامعه خویش گردند همه نادیده گرفته شود. به علاوه آنان که از خارج بر فقر آن جمعیت می‌نگرند اغلب آگاه نیستند که گرایش‌شان بر آنست که اجازه دهند احساسات ترحم، بیم، خشم و یا تردید بر قرائت‌شان از اجتماع اثرگذارد و راه حل‌های پیشنهادی‌شان بر مبنای ارزشی باشد که برای مشاهدات خود قائل‌اند. اما هنگامی که یک فعالیت مشارکتی باشد، بدین معنی که بکوشد تا خود مردم را در تولید و کاربرد دانش شرکت دهد، با پیشروی همگان در مسیر ترقی، دوگانگی‌هایی از قبیل "خارجی و داخلی" و "مطلع و نادان" به سرعت از بین می‌رود.

کسانی که به اقدام اجتماعی اشتغال دارند بر طبق قرائت خود از اجتماع، بینشی از کار خویش را در فضای اجتماعی مورد دسترس‌شان شکل می‌دهند و تلطیف می‌کنند. در اینجا واژه "بینش" صرفاً به معنای مجموعه‌ای از اهداف و یا توصیفی از شرایط آرمانی آینده نیست. به خصوص وقتی که یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی دست‌اندرکار است، بینش باید گویای نظری کلی در باره این باشد که اهداف چگونه تحقق خواهند یافت: ماهیت استراتژی‌هایی که باید به کار برده شود، رویکردهایی که باید اتخاذ گردد، طرز فکرها و گرایش‌هایی که باید پذیرفته شود، و حتی رئوس مطالب برخی از روش‌هایی که باید به کار گرفته شود. بینشی از کار که توسط چنین سازمانی ارائه می‌شود هرگز کامل نیست و باید به مرور زمان دقیق‌تر و دقیق‌تر گردد، باید بتواند اقدامات دائماً در حال تکامل و پیشرفته‌تری را در برگیرد و به سطوح بالاتر و بالاتری از دقت در عملیات خود نائل گردد.

(ب) مشورت

اگر یادگیری در عمل قرار است شیوه اصلی عملیات در عرصه توسعه اجتماعی و اقتصادی باشد، اهمیت و ارزش اصل بهائی مشورت باید کاملاً شناخته شود. مشورت، اعم از اینکه به منظور تجزیه و تحلیل یک مشکل خاص یا برای رسیدن به درک بهتری از یک موضوع و یا وسیله‌ای برای کاوش مسیرهای ممکن اقدام باشد، می‌توان آن را جستجوی جمعی در پی حقیقت دانست. شرکت‌کنندگان در یک فرایند مشورتی، واقعیت را از نقطه‌نظرهای مختلف می‌بینند و با بررسی و درک این نظرها، وضوح ذهنی حاصل می‌گردد. با توجه به این مفهوم از جستجوی جمعی برای شناخت واقعیت، حقیقت وجه مصالحه موافقت بین گروه‌های دارای منافع متضاد نمی‌گردد.

هم چنین تمایل به اعمال قدرت علیه یکدیگر انگیزه‌ای برای شرکت‌کنندگان در فرایند مشورتی نمی‌شود بلکه قدرت فکر و عمل هماهنگ را دنبال می‌کنند.

اصل مشورت، در بستر اقدام اجتماعی به شکل‌های مختلف انجام می‌شود و هر شکل آن مناسب فضایی است که مشورت در آن صورت می‌گیرد. اغلب وقتی که یک گروه کوچک مشغول به یک اقدام اجتماعی است هر دغدغه‌ای مورد مشورت قرار می‌گیرد در حالی که در یک سازمان، این اصل به طرق دیگری عمل می‌شود. در این رابطه آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این است که مشورت گاهی در بین افرادی صورت می‌گیرد که هم سطح هستند و منظور رسیدن به تصمیمی مشترک است، مانند مذاکرات یک محفل روحانی. در شرایط دیگر مشورت در صورت لزوم شکل گفتگو به منظور استخراج افکار و اطلاعات در جهت ازدیاد تفاهم همگانی به خود می‌گیرد ولی تصمیم توسط مقامات مسئول گرفته می‌شود. این نوع دوم مشورت که طی آن میزانی از اختیارات فردی یا گروهی به کسانی داده می‌شود که مسئولیت به آنان محول گردیده است وجه تمایز عملیات یک سازمان ملهم از تعالیم بهائی می‌باشد.

بنا بر این بدیهی است که در یک سازمان همه کارمندان به نحو مساوی در اتخاذ هر یک از تصمیمات شرکت نخواهند کرد. لازم است که مسئولیت‌ها به نحو مناسبی ساختار یابد و تعریف گردد. به عنوان مثال افرادی که به بخش خاصی از کار سازمان اشتغال دارند این فرصت را خواهند داشت که در فضاهای فراوان موجود بینش‌های خود را با دیگران در میان گذارند، به سطوح بالاتری از تفاهم نائل گردند و تصمیماتی مربوط به حوزه فعالیت خود اتخاذ کنند. در مورد سازمانی که دارای هیئت‌مدیره و مدیر اجرایی است، این مقامات غالباً تصمیمات لازم را بدون نیاز به مشورت با تک‌تک اعضای سازمان خواهند گرفت. ولی آن مقامات این مسئولیت را نیز دارند که جوی به وجود آورند که در آن اطلاعات و دانش مربوطه آزادانه جریان یابد و نتایج مشورت در تمام حوزه‌های سازمان به طرقی ابلاغ شود که تفاهم و اتفاق نظر بین اعضای آن ترویج گردد.

ورای این ملاحظات، تعاملات کسانی که به اقدام اجتماعی اشتغال دارند، قطع نظر از اندازه و پیچیدگی اقدام و یا مردمی که از آن بهره‌مند می‌شوند، تحت الشعاع یک روح مشورتی قرار دارد. این بدان معنا نیست که لزوماً مکانیزم‌هایی رسمی به این منظور در کار است بلکه گویای آن است که آمال و علایق مردم و مشاهدات و نظرهای آنان همواره مورد نظر است و آگاهانه در نقشه‌ها و برنامه‌ها منعکس می‌گردد.

(ج) اقدام و تأمل در اقدام

محور هر کوشش در زمینه توسعه، اقدام سیستماتیک و مستمر است اما این اقدام باید با بازنگری دائم همراه باشد تا کار قطعاً در جهت نیل به اهداف پیش رود. استراتژی‌های توسعه‌ای که صرفاً به

صورت پروژه‌هایی با اهدافی روشن تنظیم می‌گردند و سپس چگونگی و علل موفقیت یا عدم موفقیت آنها در نیل به اهداف ارزیابی می‌شود، محدودیت‌هایی به همراه دارند. رویکردی به توسعه که بر مبنای یادگیری استوار باشد می‌تواند گاه به گاه مورد ارزیابی رسمی قرار گیرد ولی پیشرفت آن بیشتر بر بازنگری سازمان یافته‌ای که جزئی از الگوی عمل است متکی می‌باشد و از آن طریق سؤالاتی مطرح می‌شود و روش‌ها و رویکردها تعدیل می‌گردد.

کثرت نیازهای بشری و ذوق و شوقی که برنامه‌های ملهم از تعالیم بهائی مکرراً با آن روبه‌رو می‌گردند، می‌تواند موجب وسوسه یک سازمان ملهم از آیین بهائی شود که هر فرصتی را پیگیری کرده به اقداماتی شتاب‌زده دست زند. چالشی که همه کسانی که دست‌اندرکار امور توسعه می‌باشند — از یک گروه کوچک گرفته تا تمام جامعه — باید با آن مواجه شوند یادگیری این مسئله است که چگونه می‌توان در امور سیستماتیک و متمرکز بود.

نظری که در این باره مفید واقع شده مفهوم استفاده از یک خط عمل است. خط عمل یا خط اقدام متشکل از یک سلسله فعالیت‌هایی است که هر یک از آنها بر اساس فعالیت قبلی بنا شده و راه را برای فعالیت بعدی آماده می‌سازد. مجهودات غالباً با یک خط عمل واحد آغاز می‌گردند اما به تدریج چندین خط عمل وابسته به هم پدیدار گشته عرصه‌ای کلی از عمل را تشکیل می‌دهند. به عنوان مثال حتی یک کوشش مردمی و صرفاً متمرکز بر آموزش و پرورش کودکان، لازم است برای کارآیی بیشتر، چند خط عمل از قبیل تربیت معلم، بالا بردن سطح آگاهی جامعه در باره آموزش و پرورش، و توجه به مسئله آموزش-یادگیری را هم‌زمان دنبال نماید.

تفکر سیستماتیک و متمرکز و کار مستمر و دقیق البته با روح خدمت که محرک اقدام اجتماعی است مغایرتی ندارد. شخص در حالی که به کوچک‌ترین جزئیات عملی توجه می‌کند می‌تواند به عمیق‌ترین مسائل روحانی نیز بپردازد. یک وجه تمایز هر اقدام بهائی باید تأکید بر روح خدمتی باشد که منشأ و مشوق آن اقدام است و لازمه‌اش آنست که شرکت‌کنندگان به پاکی نیت، حسن رفتار، فروتنی، فداکاری، و احترام به شرافت انسانی آراسته باشند. چنانچه حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند:

یک عمل پاک عالم خاک را جنت علیا نماید.

(د) استفاده از وسایل مادی

برای به تحقق رساندن اهداف مجهودات در عرصه اقدام اجتماعی وسایل مادی مورد نیاز است. گرایش رایج در بین بسیاری از سازمان‌های جهان از جمله سازمان‌هایی که در جهت اهداف قابل تحسین فعالیت می‌کنند آنست که موفقیت را اصولاً بر اساس پولی که دریافت و خرج شده بسنجند. انتظار می‌رود که مجهودات توسعه بهائی این معیار را کنار بگذارند. در مورد اقدامات اجتماعی

کوچک، منابع معمولاً توسط جامعه تأمین می‌گردد. انجام یک مجهود پیچیده‌تر مستلزم قابلیت بیشتری برای جلب و استفاده از منابع مادی می‌باشد. در مورد سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی، همان‌طور که قبلاً اشاره شد، این کمک ممکن است به دریافت یارانه از نهادهای تأمین مالی گسترش یابد. در این گونه موارد باید نهایت دقت مبذول گردد تا سعی برای تأمین منابع مادی موجب انحراف سازمان از هدف اصلی خود، یعنی قابلیت‌سازی در بین سکنه نگردد.

مبلغ مصرف شده هر چقدر ناچیز باشد، در هر حال برقراری سیستمی که بر اداره صحیح منابع مالی نظارت کند حائز نهایت اهمیت است. البته اصالت و انسجام هر کوششی با امانت‌داری و درست‌کاری شرکت‌کنندگان حفظ می‌شود. با این حال، یک نظام مدیریت مالی معتبر در درون یک سازمان، موجب حفظ و صیانت در مقابل جوی از بی‌توجهی و بی‌دقتی می‌گردد که می‌تواند در را به روی وسوسه بگشاید.

علاوه بر یک نظام مالی سالم، مسئله کارایی نیز نیاز به توجه دارد. آنچه باید از آن احتراز شود مفاهیم محدودی از کارایی است مثل مفاهیمی که فقط رابطه بین برون‌داد را با درون‌داد مادی در نظر می‌گیرد، حتی وقتی که ارزش کمی کوشش به کار رفته نیز به درون‌دادها افزوده شود. به نظر می‌رسد که درک عمیق‌تر و وسیع‌تری از کارایی مورد نیاز است. مثلاً در مورد درون‌دادها، کاری که با روح خدمت و اشتیاق درونی برای نیل به کمال صورت می‌گیرد و کاری که به عنوان وسیله‌ای برای پیشبرد منافع شخصی انجام می‌شود به وضوح ارزش‌های متفاوتی دارند. در مورد بازده و نتایج، به عنوان یک مثال دیگر، به انجام رساندن یک وظیفه، مثلاً ساختن تسهیلات کوچکی برای یک مدرسه، ممکن است اهمیت بسیار کم‌تری از پرورش قابلیت شرکت‌کنندگان برای هم‌کاری و برای اشتغال به اقدام هماهنگ داشته باشد.

منابع مادی موجود هرچه باشد، گنجینه‌ای سرشار از منابع معنوی و فکری نیز موجود است که مجهودات می‌توانند از آنها بهره‌برند. بعضی از این منابع در آثار بهائی ذکر شده است، مانند "استقامت تمام" و "معاونت و مساعدت"، "امانت و کفایت و حسن نیت"، "فطانت و درایت و دیانت"، "ثبوت و رسوخ"، "انقطاع و جان‌فشانی"، "تنظیم امور"، "حسن تدبیر"، "اشتعال و انجذاب"، "جدیت و حزم و متانت"، "انقیاد تام"، "عبودیت محضه"، "مداومت"، "همت"، "شجاعت"، "شهامت"، "متانت و رزانت"، "عزم راسخ"، "قدم ثابت" و "کمال مراقبت". آنچه جامعه بهائی با وجود محدودیت منابع مادی در زمینه ترویج و تحکیم تاکنون بدان نائل گشته خود شاهدی است بر کارایی این منابع روحانی که باید به نحوی فزاینده به عرصه اقدام اجتماعی گسترش داده شود.

دست‌اندرکاران اقدام اجتماعی هم‌چنین باید همواره از مسئولیت خطیر خود در قبال وجوهی که در اختیارشان گذاشته شده آگاه باشند. در این رابطه مفید است که روش و منشی که بهائیان در مورد منابع مالی مقدّس امر الهی از خود نشان می‌دهند مدّ نظر قرار گیرد: تبرّعات سخاوتمندانه با سرور و با فداکاری تقدیم می‌گردند و مؤسّسات امری نهایت احتیاط و صرفه‌جویی را در مصرف آنها به کار می‌برند.

۵- اصول هدایت‌کننده

در این نوشتار توصیه شده است که اقدام اجتماعی باید در بافتار مشروعی بس عظیم‌تری یعنی در بستر پیشرفت تمدّنی که رفاه مادّی و معنوی نوع بشر را تضمین نماید انجام شود. تعالیم بنیادین امر مبارک که الهام‌بخش این تمدّن خواهند بود و برخی از آنها در این نوشتار ذکر شده‌اند باید در حوزه اقدام اجتماعی متجلی گردند. بدیهی است که کاربرد اصول لازم در پیشرفت اجتماعی و مادّی جوامع، مستلزم وجود یک فرایند بسیار وسیع یادگیری است.

به طور کلی یکی از چالش‌های هر اقدام اجتماعی حفظ انسجام و یک‌پارچگی است در بین باورهای آشکار و مکنونی که زیربنای اقدام را تشکیل می‌دهند، ارزش‌هایی که ترویج می‌کنند، نگرش و گرایش‌های شرکت‌کنندگان اتخاذ می‌نمایند، روش‌هایی که به کار می‌برند، و اهدافی که دنبال می‌کنند. حصول انسجام بین ایمان و عمل کار ساده‌ای نیست: درکی عمیق از یگانگی نوع بشر باید تمام مساعی را از ایجاد نفاق، دورافتادگی، جدایی‌خواهی، یا رقابت برکنار دارد. ایمانی تزلزل‌ناپذیر به شرافت ذاتی انسان‌ها — انسان‌هایی قادر به چیره شدن بر تمایلات فرومایه خود و برابر از صفات ملکوتی — باید حفاظتی قوی در برابر تعصّب و پدرمآبی که هر دو شرافت انسانی را نقض می‌کنند باشد؛ اعتقادی راسخ به عدالت باید موجب شود که هر مجهود منابع را برحسب نیازهای واقعی و آرمان‌های جامعه توزیع نماید نه بر طبق هوس و تمایلات عدّه معدودی که از امتیازات خاصی برخوردارند؛ اصل تساوی حقوق زن و مرد باید راه را نه فقط برای زنان باز کند تا نقش خود را به عنوان شرکت‌کنندگان در توسعه به عهده بگیرند و از ثمرات آن بهره‌مند گردند بلکه راه را برای آن نیز بگشاید که تجربه نیمی از جمعیت جهان در افکار توسعه مورد تأکید فزاینده‌ای قرار گیرد. این چند مثال روشن می‌سازد که تا چه حدّ اصول روحانی باید راهنمای عمل توسعه واقع گردد.

برای اجتناب از تناقضات، لازم است که شرکت‌کنندگان در یک مجهود از محیطی که کارشان در آن پیش می‌رود به نحو فزاینده‌ای آگاه باشند. از یک طرف، باید آزادانه با استفاده از طیفی از فلسفه‌ها، نظریه‌های دانشگاهی، برنامه‌های جامعه و جنبش‌های اجتماعی درون آن محیط، بر بینش خود بیفزایند و از آخرین روندهای تکنولوژیکی اثرگذار بر پیشرفت واقف باشند. از سوی دیگر، باید مراقب باشند که مبدا اجازه دهند تعالیم امری به خاطر هم‌سویی با ایدئولوژی‌های گوناگون، عقاید روشن‌فکرانه و رسوم مدّ روز از واقعیت خود دور شوند. در این ارتباط، قابلیت‌سنجش ارزش رویکردها، عقاید، نگرش‌ها، و روش‌های رایج با موازین بهائی مسئله‌ای حیاتی

است. این قابلیت شخص را قادر می‌سازد تا مثلاً خودبزرگ‌نمایی را که غالباً در پشت ابتکاراتی نهفته است که اسماً بر توان‌دهی تأکید می‌کند ببیند، گرایش برخی از مساعی توسعه را که برفقرا یک جهان‌بینی کاملاً مادی‌گرایانه را تحمیل می‌کند تشخیص دهد، راه‌های زیرکانه‌ای را که در آنها رقابت و حرص می‌تواند به نام عدالت و رفاه ترویج گردد مشاهده نماید، و نهایتاً این تصور را کنار بگذارد که یک تئوری یا یک جنبش که احتمالاً به نحوی سریع و گذرا در پهنه اجتماع شهرت و اهمیت می‌یابد می‌تواند راه میان‌بری برای تحوّل واقعی باشد. متن ذیل که توسط بیت العدل اعظم مرقوم گردیده هدایاتی را در این مورد ارائه می‌دهد:

امر حضرت بهاء‌الله بی‌نهایت عظیم است و حصول تغییراتی عمیق را نه فقط در سطح فردی بلکه در ساختار اجتماع ضروری می‌شمارد. آن حضرت اعلام می‌فرمایند که "مقصود از هر ظهور، ظهور تغییر و تبدیل است در ارکان عالم سرّاً و جهرّاً ظاهراً و باطناً." کاری که امروز در اطراف و اکناف کره ارض در حال پیشرفت است نمایان‌گر مرحله‌ی اخیر مساعی مستمرّ جامعه بهائی برای ایجاد هسته تمدنی شکوه‌مند است که در تعالیم این ظهور اعظم مندمج می‌باشد، تمدنی که بنای آن مشروعی بی‌نهایت عظیم و پیچیده و به ثمر رساندن آن مستلزم قرن‌ها کوشش و تلاش نوع انسان است. در این مسیر نه راه میان‌بری وجود دارد و نه فرمولی. تنها با تلاش در جهت کسب بینش از امر اعظمش، با استفاده از دانش فزاینده نوع بشر، با به کارگیری هشیارانه تعالیمش در حیات بشری و با مشورت در مسائلی که پیش می‌آید یادگیری مورد نیاز حاصل خواهد شد و قابلیت لازم به وجود خواهد آمد.